

طرح چند نکته با

کارگران،

در حاشیه

اختلاس ۹۲

تریلیون تومانی

درون فولاد مبارکه

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / شهریور ۱۴۰۱

////////////////////////////////////

فولاد مبارکه، یکی و فقط یکی از ۵۰۰ تراست برتر و یکی از چند هزار مؤسسه بزرگ یا متوسط صنعتی، مالی، تجاری، «خدماتی» سرمایه داری ایران است. این شرکت مواد اولیه مورد نیاز ۳۰۰۰ کارخانه در حوزه های تولید لوله، پروفیل، نفت، گاز، پتروشیمی، خودرو، موتورهای الکتریکی، لوازم خانگی، فلزات سبک و سنگین، ساختمان، غذایی، کشتی، سازه های دریائی را تهیه می نماید. همین محصولات را به ۳۸ کشور هم صادر می نماید. ظرفیت تولید سالانه اش از ۱۰ میلیون تن افزون است و قرار است تا سال ۱۴۰۴ به ۲۵ میلیون تن افزایش یابد. سود خالص مؤسسه در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۲۲۰۰ میلیارد تومان بوده است. فولاد مبارکه بیش از ۱۰ غول عظیم صنعتی مرکب از فولاد هرمزگان جنوب، صنایع معدنی، فولاد سنگان خراسان، فولاد سفید دشت چهارمحال بختیاری، ورق خودرو چهارمحال، فولاد امیرکبیر کاشان، شرکت بین المللی مهندسی سیستم ها و اتوماسیون، مهندسی فولاد مبارکه، مؤسسه فرهنگی، ورزشی مبارکه، فلز تدارک و الکتروود را در ید مالکیت و استیلا خود دارد، در کل این مؤسسات و قلمروها حدود ۸۰۰۰ هزار کارگر را استثمار می کند. شرایط کار کارگران در یکایک این واحدها دهشت انگیز است. انواع سرطان، ام اس، بیماریهای لاعلاج، ارمغان بی دریغ و بیش از حد وفور شرکت برای توده های کارگر است. بخشی از آلودگیهای زیست محیطی منطقه اصفهان، خشکی زاینده رود، بی آبی سکنه کارگر شهرهای استان نیز از چرخه ارزش افزائی همین غول صنعتی، مالی نشأت می گیرد. هیچ کدام اینها اطلاعات جدیدی نیستند، منابع اعلام و انتشار آنها مراکز آماري فاشیسم اسلامی است و چه بسا واقعیت ها چند برابر این داده باشد، آنچه اینجا، در این چند سطر، مطمح نظر و



کانون تمرکز گفتگو با همزنجیران است، نه اینها که نکاتی خاص و مهم تر است. لطفا دقت کنید!

فقط سود خالص این هولدینگ در سال ۱۳۹۹ پس از اختلاس های کهکشانی نوع ۹۲ تریلیون تومانی باز هم بر اساس تراز مالی منتشره منابع رسمی رژیم اسلامی، به رقم ۲۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است. در این سال متوسط مزدهای سالانه کارگران ایران به گونه ای چشمگیر زیر ۲ میلیون تومان در ماه و ۲۴ میلیون تومان در سال بوده است. فرض بر این گذاریم که هر کارگر واقعا ۲۴ میلیون تومان را دریافت کرده باشد، حتی در این حالت کل ۸ هزار کارگر صنایع متنوع تحت استیلا و مالکیت هولدینگ دستمزدی کمتر از ۱۹۲ میلیارد تومان کسب کرده اند. رقم کهکشانی سود خالص ۲۲۰۰ میلیاردی را بر رقم اخیر یا مزد سالانه ۸۰۰۰ کارگر تقسیم کنید. بالغ بر ۱۲ برابر است. ۸ هزار کارگر با کار شاق، فرساینده، بیماری زا و مرگ آور خود ۲۲۰۰ میلیارد تومان بر سرمایه وحوش سرمایه دار افزوده اند و خود با مزدی ۱۲ مرتبه کمتر از این مقدار، همراه زن و فرزندان به مرگبارترین گرسنگیها، برهنگی ها، فلاکت ها، ذلتها، حقارت ها، بی داروییها، بی دکتري و بی درمانیها، بی مدرسه ای و بی سرپناهی تن داده اند. فراموش نکنید که مالکان و مدیران سوای ۲۲۰۰ میلیارد تومان سود خالص سالانه دهها تریلیون تومان نیز اختلاس و انواع دزدی داشته اند. سرمایه ها و سودهای طلائی بهت انگیزی که اگر حساب شوند حکایت نرخ استثمار دهشت انگیز چندین هزار درصدی کارگران در جهنم مشتعل سرمایه داری اسلامی است. هشت هزار کارگر که این اقلام کهکشانی سود و سرمایه را در یک سال تولید کرده اند، خود در طول همین سال برای چند تومان مزد افزونتر چندین بار دست به اعتصاب زده اند، دستگیر و راهی زندان شده اند، بیکار و شکنجه گردیده اند یا بی هیچ نتیجه دست از پا درازتر به سر کار باز گشته اند. چرا باید به چنین وضعی تن داد؟ برای اینکه سرمایه داران دولت، ارتش، سپاه، پلیس، قوای سرکوب دارند و ما فاقد قدرت هستیم!! درست است اما مگر ما خالق کل سرمایه ها نیستیم؟ مگر دولت، ارتش، سپاه، پلیس، حوزه های علمیه همگی مفتخوران سفاک و گرازان خون آشامی نیستند که از حاصل کار و استثمار ما ارتزاق می کنند؟ مگر قدرت طبقه سرمایه دار، قدرت سرمایه تولید شده توسط ما نیست، چرا ما از قدرت خویش هیچ بهره ای نمی گیریم؟ چرا این قدرت را سراسری، شورائی، ضد سرمایه داری سازمان نمی دهیم، چرا دست در دست هم نمی نهیم و این قدرت را علیه سرمایه و سرمایه داران اعمال نمی کنیم؟ آیا این پرسش ها ارزش فکر کردن ندارند؟ اما این فکر کردن دلخواهی و انتخابی نیست. جبر و قهر زندگی است، عصیان شکم خالی است، طغیان گرسنگی، بی آبی، بی سرپناهی و بی دارویی فرزندان است. مجبوریم بیاندیشیم، مجبوریم راه افتمیم و دست همدیگر را بفشاریم، مجبوریم شورائی، سراسری، ضد بردگی مزدی متحد شویم، یک قدرت سازمان یافته شورائی سرمایه ستیز گردیم. هیچ چاره دیگری نداریم. آلترناتیو تن دادن به مرگ ذلت بار ناشی از فشار استثمار، سبعت سرمایه است. میان این دو باید انتخاب کرد. این گوی، این میدان!